

سیف بن عمر تمیمی: احیاگر هویت عربی در تقابل با هویت ایرانی

مریم سعیدیان جزی^۱

چکیده

این تحقیق در پی فهم ارتباط منابع تاریخی و رویکرد هویت‌گرایانه برخی از مورخان اسلامی است. بدین منظور آرای یکی از اخباریون و فتوح‌نگاران متقدم و پرارجاع یعنی سیف بن عمر تمیمی بررسی می‌شود. سیف اگرچه مانند برخی دیگر از نویسندگان بر نقش اعراب در فتوح و پدیده‌های اسلامی تأکید می‌کند، با مقدماتی متفاوت به این نتیجه دست می‌یابد و به علاوه در این زمینه اعراق می‌کند. سؤال اصلی مقاله این است که چه عوامل محیطی و شرایط اجتماعی سبب ایجاد رویکرد هویت‌گرایانه در سیف شد؟ سیف چه اهدافی را در تاریخ‌نگاری خود دنبال می‌کرد و چگونه و تا چه اندازه توانست به آنها دست یابد؟ در این تحقیق با استفاده از روش تحقیق تاریخی که مبتنی بر توصیف و تحلیل داده‌هاست به این پرسش‌ها پاسخ داده شده است. متغیرهای مهمی مانند عنصر عصبیت عربی و نظام قبیله‌ای، مواضع ساسانیان در قبال اعراب، فتوح اسلامی، سیاست دستگاه خلافت اموی و نقش ایرانیان در خلافت عباسی بر دیدگاه سیف اثرگذار بود. سیف در دورانی می‌زیست که به واسطه حضور گسترده ایرانیان در تشکیلات خلافت عباسی و تمدن مسلمانان شأن و جایگاه اعراب به شدت آسیب دیده بود. از نظر سیف، اعراب دارای تاریخی پیوسته بودند و چون اسلام در میان اعراب به پا خاسته بود، تفکر عربی مفاهیم پایه‌ای این دین را به خوبی مشخص کرده بود. در نتیجه، آنچه سبب پیشرفت اسلام و شکل‌گیری تمدن اسلامی شد، عصبیت قومی و هویت قبیله‌ای و آرمان‌های عربی بود. او برای جبران این خلأ هویتی از ایام العرب، اسطوره‌ها، ساختارهای ذهنی، واقعیت‌های تاریخی، جامعه پیرامونی و تخیلات آرمانی خود بهره گرفت و با خلق تاریخ عرب، اعراب را حول محور عصبیت به نبرد با ایرانیان فراخواند. بر این اساس می‌توان گفت سیف احیاگر هویت عربی در تقابل با هویت ایرانی است. واژگان کلیدی: سیف، عصبیت، تمیم، ایام العرب، فتوح، عباسیان، ایرانیان.

Sayf ibn 'Umar al-Tamimi: reviver of the new 'Arab identity against the Iranians

Maryam Saedyan Jazi²

Abstract

This study seeks to understand the relationship between historical sources and the identity-oriented approach of some Islamic historians. To conduct this research, the views of Sayf ibn 'Umar al-Tamimi, are examined who is one of the earliest and most referential Akhbāris and conquerors. Sayf, like some other writers, is consistent in emphasizing the role of the 'Arabs in the conquest and events of Islamic history; but he came to this conclusion with a different premise and exaggerated in this regard. This is the main question of the article: What environmental factors and social conditions led to the creation of an identity-oriented approach in Sayf, what goals did Sayf pursue in his historiography, and how did he find a way to achieve it? In this research, these questions have been answered; using a historical research method based on data description and analysis. Important variables were effective in Sayf's view; Such as: the element of 'Arab nervousness and tribal system, the positions of the Sassanids towards the 'Arabs, the Islamic conquest, the policy of the Umayyad caliphate and the role of the Iranians in the 'Abbasid caliphate. According to Sayf, the 'Arabs had a continuous history. When Islam emerged among the 'Arabs; 'Arabic thought identified the basic concepts of the religion. As a result, ethnic nervousness, tribal identity, and 'Arab ideals led to the advancement of Islam and the formation of Islamic civilization. Sayf lived in a time when the widespread presence of Iranians in the organization of the 'Abbasid Caliphate and Muslim civilization threatened and humiliated the dignity and status of the 'Arabs. In order to unite and revive the 'Arabs; He took advantage of the Ayyam al-'Arab (Arab days), myths, mental structures, historical facts, the surrounding society, and his ideal fantasies. According to this research, Sayf was the representative of the revival of 'Arab identity against the Iranians.

Keywords: Sayf, nervousness, Tamim, Ayyam al-'Arab, Conquest, 'Abbasids, Iranians.

۱. دانشیار گروه معارف دانشگاه اصفهان. * تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۹ * تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳

2. Associate professor-University of Isfahan. Email: msaedyan@ltr.ui.ac.ir.

مقدمه

یکی از موضوعات مهم در مطالعات تاریخی اسلام و ایران، رویارویی دو هویت عربی ایرانی است. محققان دلایل مختلفی را برای این مسئله بیان کرده‌اند که برخی از آنها با اسناد و داده‌های تاریخی و حقیقت بیرونی همخوانی ندارد. آنچه در این مقاله بررسی می‌شود نقش و جایگاه سیف بن عمر تمیمی در ایجاد تقابل هویت عربی با ایرانی است. نام کامل وی سیف بن عمر اسیدی تمیمی بُرجمی و اهل کوفه بوده است. زمان فوت او را بین سال‌های ۱۷۰ق/۷۸۷م تا ۱۹۰ق/۸۰۶م گفته‌اند.^۱ آثاری چون *الفتوح الکبیر و الردّه، الجمل و مسیر عایشه و علی، یوم‌الدار و مقتل عثمان* و تفسیر منسوب به اوست.^۲ بیشترین شهرت سیف به خاطر دو کتاب *الفتوح و الجمل* است.^۳

مجموع مشایخ سیف ۴۱ نفر هستند که ۱۷ نفر آنها ناشناس‌اند.^۴ سیف از جمله نویسندگان پرکار قرون نخستین اسلامی است که نوشته‌هایش مورد استفاده مورخانی چون طبری قرار گرفت.^۵ روایات سیف در موارد متعدد قابل بحث و فاقد اعتبار است. به همین دلیل دانشمندان علم رجال او را نکوهش کرده و کذاب خوانده‌اند.^۶

در روایات سیف عصیبت عربی، سنت‌های قبیله‌ای و تفاخرات قومی موج می‌زند. اخبار او برگرفته از تخیلات ذهنی وی و قصه‌هایی است که به صورت شفاهی از راویان و نیز از آثار شاعران و دانشمندان ایام العرب دریافت می‌کرد. پژوهش‌هایی در نقد روایات سیف صورت گرفته که مهم‌ترین آنها از علامه عسکری (۱۳۷۹ق/۱۹۶۰م) و حسن فرحان مالکی است. اما نکته مهمی که مغفول مانده هویت‌گرایی سیف در نقل تاریخ است. تحقیق درباره اندیشه و تفکرات سیف از دو جهت حائز اهمیت است: نخست، بخش عمده‌ای از اخبار مربوط به دوران نخستین اسلامی به نقل از سیف است. دوم، بخش مهمی از درگیری‌های قومی، هویتی اعراب و نزاع شیعه و سنی با قلم و اخبار سیف ایجاد و پرورش یافته است. حال سؤال مقاله این است که چه عواملی (محیطی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی) سبب تقویت رویکرد هویت‌گرایانه در سیف شد؟ او چه اهدافی را دنبال می‌کرد و چگونه و تا چه اندازه توانست به آنها دست یابد؟ این تحقیق با استفاده از روش تحقیق تاریخی که مبتنی بر توصیف و تحلیل داده‌هاست به این

۱. شمس‌الدین محمد الذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۲ (بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۰ق/۱۹۷۱م)، ص ۵۵.

۲. ابن ندیم، *الفهرست*، ترجمه محمدرضا تجدد (تهران: امیرکبیر، بی‌تا)، ص ۱۰۶.

۳. سیف بن عمر التمیمی، *الفتنه و وقعه الجمل*، تحقیق احمد راتب عرموش (بیروت: دارالنفائس، ۱۳۹۱).

۴. محمد بن عمر واقدی، *فتوح الشام*، صححه عبداللطیف عبدالرحمن (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۷م)، ص ۶۴-۱۵۶؛ ابن جوزی، *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک*، ج ۴ (بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌تا)، ص ۲۴.

۵. خالد الغیث، «استشهاد عثمان و وقعه الجمل فی مرویات سیف بن عمر فی تاریخ طبری و دراسه و نقدیه»، (پایان‌نامه دکتری، ریاض: دانشگاه دار امیه، ۱۹۹۷)، ص ۱۹-۲۹.

۶. ابن حجر، *فتح الباری*، ج ۲ (بیروت: دارالمعرفه، بی‌تا)، ص ۴۷۰.

پرسش‌ها پاسخ می‌دهد. با در نظر گرفتن متغیرهای مهمی چون عنصر عصبیت عربی و نظام قبیله‌ای، مواضع ساسانیان در قبال اعراب، نبرد ذوقار، فتوح اسلامی و اسکان عرب، سیاست دستگاه خلافت در دفاع از هویت عربی، سقوط امویان و نقش ایرانیان در ظهور و اداره خلافت عباسی باید گفت سیف احیاگر هویت عربی در تقابل با هویت ایرانی است.

نیمه دوم قرن دوم اوج تقابل دو هویت عربی ایرانی و ظهور جریان‌های همسو با آن بود. سیف زمانی وارد عرصه فعالیت فرهنگی شد که هویت ایرانی به دنبال بازخوانی و احیای حیات تاریخی خود بود و با توجه به تجربه ناکارآمد امویان بیم آن می‌رفت که اعراب نابود شوند. به همین دلیل او با داستان‌سرایی و قصه‌پردازی به جنگ هویت ایرانی آمد تا شاید روح خفته عربی را بیدار کند و اعراب را به مانند دوران اموی پیروز میدان جلوه دهد.

سیف در گزارش حوادث و داستان‌سازی مهارت و هوش سرشاری دارد و مانند یک شاهد عینی تاریخ را روایت می‌کند؛ اخباری برجسته و نویسنده ماهر که با ایجاد فضای حماسی، مخاطب را جذب می‌کند و امکان تفکر و نقادی را از او می‌گیرد. او از معدود مورخان زمان خود بود که دغدغه اجتماعی داشت و تمام تلاش خود را صرف اتحاد میان اعراب کرد. برای ترغیب اعراب، آنها را با آرمان‌هایشان همراه می‌کرد و به خیزش دوباره در برابر پارتیان فرامی‌خواند. سیف پدیده‌های دوران اسلامی را در تداوم تاریخ عرب جاهلی و پیروزی بر ساسانیان و فتوح را ناشی از عصبیت عربی می‌دانست. در اندیشه برانگیختگی اعراب، بیشترین نقش را برای قبیله تمیم که متناسب به آن بود، در نظر گرفت و آنان را در جایگاه رهبر جامعه آرمانی عربی قرار داد. افراط‌گرایی سیف اگرچه نتوانست در برابر نهضت اسلامی و خدمات ایرانیان به اسلام مقاومت کند، بخشی از متون اسلامی و جوامع سیاسی مذهبی با رویکرد او در هم آمیخت و زمینه‌ساز بسیاری از تحولات مهم شد. از تحقیقات صورت گرفته در باب شخصیت و اندیشه‌های سیف می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

Belgrave (1866& 1862), Maltzan, (1872), Burton (1879), Wellhausen (1899), Field (1902), Smith (1923), Wilson (1927), Thomas (1932), Blunt & etc (1938), Magazine of Real (1943), Thesiger (1959), Hodgson (1974), Donner) 1972), Lewis (1990), Hobbes (1992), Phillips (2001), Patel (2007), Choi (2011), Salwa Ismail (2006), Skeezen & etc (2005), Sayf ibn Umar's (University of Michigan), Simonsohn (2013), Faruq (2013).

محمدحسین ساکت مقالاتی از نویسندگان معاصر عربی و غربی را گردآوری و نشر کتاب (۱۳۹۳) آنها را در دو جلد چاپ کرده است. تحقیقات دیگر عبارت‌اند از: بروکلیمان (۱۹۶۹م)، جوادعلی (۱۳۶۹ش/۱۹۹۰م)،

روزنتال (۱۳۶۶ش/۱۹۸۷م)، آل یاسین (۱۹۷۳م)، مرتضی عسکری (۱۹۹۳م)، الغیث (۱۹۹۷م)، نولدکه (۱۳۷۸ش/۱۹۹۹م)، شیخ حسن بن فرحان مالکی (۱۹۹۸م)، اصغر منتظرالقائم (۱۳۹۱ش/۲۰۱۲م)، مریم سعیدیان جزی (۱۳۸۱ش/۲۰۰۲م)، ذهبی (۲۰۰۴م) و مقالات: جوادعلی (۱۹۵۰م)، سالاری (۱۳۹۰ش/۲۰۱۱م)، اسد حیدر (۱۴۲۶ق/۲۰۰۶م)، منتظرالقائم (۱۳۷۷ش/۱۹۹۸م و ۱۳۹۱ش/۲۰۱۲م)، سعیدیان (۱۳۸۶ش/۲۰۰۷م)، پیراسته بروجنی در رساله کارشناسی ارشد (دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد، ۱۳۹۰ش/۲۰۱۱م) و حسین عزیزی در رساله دکتری (دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۸ش/۲۰۰۹م). مالکی (۱۹۹۸م) مبنای تفکر سیف را جهل و پیروی از هوای نفس می‌داند و معتقد است برخی تفکرات امروز وهابی، به تبعیت از اخبار سیف، برای مبارزه با تشیع و ایرانیان و با هدف راه‌اندازی یک قادیسیه دیگر و احیای گذشته است. همچنین مریم سعیدیان جزی در مقاله «اخبار جعلی سیف بن عمر در مطالعات شیعه‌شناسی غربی‌ها» (۱۳۹۹) بر تأثیر سیف بر رویکردهای مستشرقان درباره تاریخ اسلام و تشیع تأکید نموده است. این پژوهش ضمن بهره‌مندی از این پیشینه به بررسی رویکرد هویت‌گرایانه سیف و تأثیر آن بر تاریخ‌نگاری اسلامی می‌پردازد که گامی در جهت فهم تحولات تاریخی و نقش اخبار متقدمین در آثار مورخان اسلامی و نگارش تاریخ اسلامی خواهد بود.

۱. عصیّت سیف و وابستگی او به بنی تمیم

سیف برای احیای هویت اعراب به بازآفرینی گذشته و پردازش اخبار مربوط به پیروزی‌های اعراب پرداخت. در این میان نقش قبیله تمیم به گونه‌ای بیان شده که گویی طلایه‌دار تاریخ اعراب است. ردّ پای قبیله تمیم در اخبار سیف از دوران بعثت رسول‌الله (ص) شروع می‌شود. او برای آنکه نشان دهد قبیله تمیم در حوادث دوران حیات رسول‌الله (ص) مشارکت فعالی داشته است، افرادی از بنی تمیم را جزء صحابه آن حضرت معرفی می‌کند که اساساً وجود خارجی ندارند و دروغین هستند. نام این افراد ابتدا در روایات سیفی آمده و سپس در متون اسلامی تکرار شده است. مثلاً طبری به نقل از سیف می‌نویسد: ظاهر تمیمی یکی از والیان یمن بود.^۱ در نقد روایات سیف و اثبات عصیّت‌های قومی وی باید گفت: ۱. اگرچه تمیم همانند قریش و دیگر مشرکان در مقابل رسول‌الله (ص) قرار نگرفت، در کنار آن حضرت نیز نبود و افراد معدودی از این قبیله که در حجاز ساکن بودند در غزوه حنین حضور داشتند که در گروه مؤلفه قلوبهم قرار گرفتند. ۲. بنی تمیم در زمره آخرین قبایل عرب بود که پس از سربینه فرزاری و در عام الوفود (۹ق) اسلام را پذیرفت^۲ و پنج نفر از سران تمیم از جانب رسول‌الله (ص) عهده‌دار امور

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الرسل والملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۴ (تهران: اساطیر، ۱۳۶۲)، ص ۱۴۵۳-۱۴۵۵.
 ۲. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲ (مصر: مصطفی‌آلبابی، ۱۹۵۵)، ص ۵۶۱-۵۶۷ و ۶۲۱-۶۲۲؛ محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱ (بیروت: دار صادر، ۱۹۶۰)، ص ۲۹۷؛ ج ۷، ص ۳۶-۳۸ و ۶۳.

مالی قبیله خود شدند.^۱ ۳. بی‌احترامی تمیم به رسول‌الله (ص) چنان بود که سوره حجرات در شأن آنها نازل شد.^۲ ۴. سیف از فردی به نام زیاد بن حنظله تمیمی به‌عنوان یکی از اصحاب رسول‌الله (ص) نام می‌برد^۳ که ساختگی است.^۴

بنا بر ادعای سیف، بخشی از تمیم پیش از رحلت رسول‌الله (ص) مرتد شدند و آن حضرت افرادی از تمیم را به مقابله با مرتدان فرستاد. براساس همین گزارش، بنی تمیم در دفع فتنه أسود عَنسی،^۵ رده بحرین،^۶ بطاح و یمامه،^۷ بنی کعب و بنی کلاب^۸ و عمان^۹ نیز حضور داشتند. از آن جمله طبری به نقل از سیف می‌نویسد زیاد بن حنظله تمیمی به دستور رسول‌الله (ص) مأمور مبارزه با اهل رده شد.^{۱۰} حال آنکه روایت بلاذری در این باره متفاوت است.^{۱۱} سیف نَسَب سَجَّاح، زن تمیمی که ادعای پیامبری کرد، را از بنی تغلب می‌داند.^{۱۲}

در نقد روایات سیف می‌توان گفت: ۱. بیشتر طوایف تمیم مرتد شده بودند و هیچ یک در دفع مرتدین حضور نداشتند.^{۱۳} و بنی سَعَد و تمیم در جریان رده موضعی متفاوت داشتند.^{۱۴} از سویی محل سکونت بنی سَعَد جدا از مسیر سَجَّاح و در الأحساء بود^{۱۵} و بنی سَعَد در دفع فتنه عمان حضور نداشتند.^{۱۶} ۲. سَجَّاح بنت حارث تمیمی بود و در ضمن تمام طوایف تمیمی با او همراهی کردند.^{۱۷} لذا سیف به دنبال دفع اتهام ادعای نبوت از بنی تمیم است. ۳. کسانی چون قَعْقَاع بن عمرو، طاهر بن اَبی هاله، ثُمَّاثه بن اَثال و عقیف بن منذر که سیف همه را تمیمی می‌داند و نامشان را در زمره فرماندهان می‌آورد، در روایات دیگر جایی

-
۱. احمد بلاذری، فتوح البلدان (بیروت: دارالمکتبه الهلال، ۱۹۸۸)، ص ۹۶؛ احمد ابن اعثم، الفتح، تحقیق علی ششیری، ج ۱ (بیروت: دار الأضواء، ۱۴۱۱)، ص ۱۴.
 ۲. ابن هشام، ج ۲، ص ۵۶۷-۵۶۸؛ ابن سعد، ج ۱، ص ۲۹۳-۲۹۵؛ رشیدالدین فضل‌الله میبیدی، کشف الأسرار و عدّه الأبرار، ترجمه علی اصغر حکمت، ج ۹ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱)، ص ۲۴۶-۲۴۹؛ ابوالفتح رازی، روح الجنان و روح الجنان، ج ۵ (قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴)، ص ۱۱۶-۱۱۷.
 ۳. ابن حجر، الاصابه، ج ۲ (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵)، ص ۲۶۸.
 ۴. مرتضی عسکری، صد و پنجاه صحابی ساختگی، ترجمه غ. سردار نیا، ج ۱ (تهران: مجمع علمی و بدر، ۱۳۶۱)، ص ۱۳۹.
 ۵. طبری (۱۳۶۲)، ج ۴، ص ۱۳۱۴.
 ۶. همان، ص ۱۴۴۱-۱۴۴۶.
 ۷. محمد بن عمر واقدی، الرده (مع نبذه من فتوح العراق)، تحقیق یحیی الجبوری (بیروت: دارالعرب الاسلامی، بی‌تا)، ص ۱۵۴-۱۵۶؛ ابن جوزی، ج ۴، ص ۲۴.
 ۸. طبری (۱۳۶۲)، ج ۴، ص ۱۳۹۱-۱۳۹۲.
 ۹. همان، ص ۱۴۴۹-۱۴۵۳.
 ۱۰. ابن حجر، الاصابه، ج ۴، ص ۵۱۹.
 ۱۱. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۳۲۵.
 ۱۲. محمد بن جریر طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۴ (تهران: مکتبه الاسدی، ۱۳۵۸)، ص ۱۹۱۷-۱۹۱۸.
 ۱۳. واقدی، الرده، ص ۱۱۱.
 ۱۴. طبری (۱۳۶۲)، ج ۴، ص ۱۴۴۱-۱۴۴۶.
 ۱۵. علی بن حسین مسعودی، التنبیه و الاشراف، تصحیح اسماعیل الصاوی (قاهره: دارالصاوی، بی‌تا)، ص ۳۴۰.
 ۱۶. ابن اعثم، ج ۱، ص ۱۴.
 ۱۷. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۹۶.

ندارند و جزء شخصیت‌های ساختگی سیف هستند.^۱ ۴. واقدی، برخلاف سیف، قره بن سلمه قشیری را فرمانده مرتدان بنی کعب معرفی می‌کند.^۲ ۵. در روایت سیف چند بار اسم فردی به نام قیس آمده، یک‌جا در زمره مرتدان و جایی دیگر در میان کسانی که در دفع فتنه اُسود عَنسی مشارکت داشتند. در واقع قیس در این زمان مسئول جمع‌آوری صدقات بود.^۳

مهم‌ترین نمود روایات سیف در بحث فتوح است. سیف مدعی است ابوبکر جانشین برحق رسول‌الله (ص) است و دو مسئله حضور ابوبکر در زمان رحلت رسول‌الله (ص) در کنار آن حضرت و اعلام رسمی انتخاب وی برای امر وصایت و جانشینی را از جمله دلایل مهم در مشروعیت خلافت ابوبکر می‌داند.^۴ سیف با این رویکرد قصد دارد بنی تمیم را در وقایع مربوط به دوران ابوبکر وفادار و متعهد به اسلام و مسلمین نشان دهد. حضور تمیم در حوادث این دوران بیشتر بر محور تحولات عراق و همراهی با دستگاه خلافت مدینه است.^۵ سیف حضور قعقاع در فتح خُورنق، پیکار ذات السلاسل، مَصیخ، شام و اداره عراق را برجسته می‌کند و از افراد (مانند بشر بن ربیع، ابو لیلی، قعقاع اَبد، عاصم بن عمرو،^۶ اط بن اَبی الاط^۷ و زُهره بن الحویه^۸) و مکان‌هایی سخن به میان می‌آورد که همگی غیرواقعی و ساخته و پرداخته ذهن او هستند.^۹

در نقد و ارزیابی روایات سیف باید گفت: ۱. سیف برای بزرگ‌نمایی نقش تمیم در فتوح از آوردن نام افراد، اماکن و وقایع غیرواقعی ابایی ندارد و روایت او در برخی صحنه‌های فتوح مانند اَرماث و سواد به ایام العرب شباهت دارد^{۱۰} که البته در خدمت رویکرد هویت‌نگارانه عربی اوست. همان‌طور که سیاست خلفا اهمیت دادن به سنت‌ها و عصبیت قبیله‌ای بود و مناصب عموماً در انحصار قریش قرار داشت،^{۱۱} سیف نیز بر نقش برجسته تمیم تأکید می‌کند. ۲. برخلاف روایت سیف، حضور بنی تمیم در فتوح عراق در دوران

۱. عسکری، ج ۲، ص ۹۹-۱۱۴ و ۲۵۳-۲۵۶.

۲. واقدی، الرده، ص ۴۹-۵۰.

۳. خلیفه بن خیاط، کتاب الطبقات، تحقیق سهیل زُکار (بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴)، ص ۶۳؛ ابن هشام، ج ۲، ص ۶۰۰.

۴. ابن حجر، الاصابه، ج ۲، ص ۲۶۸.

۵. طبری (۱۳۶۲)، ج ۴، ص ۱۴۸۳-۱۴۸۴.

۶. واقدی، فتوح الشام، ج ۲، ص ۱۷۳-۱۷۴.

۷. طبری (۱۳۶۲)، ج ۴، ص ۲۰۶۹-۲۰۷۲.

۸. همان، ص ۱۴۸۳-۱۴۸۴.

۹. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴ (تهران: مکتبه الأسدی، ۱۹۶۵)، ص ۸۳۴-۸۳۵.

۱۰. واقدی، فتوح الشام، ج ۲، ص ۱۷۳-۱۷۴.

۱۱. همان، ص ۱۷۳؛ بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۵۴-۲۵۹؛ ابن خیاط، ص ۹۰؛ ابوعلی مسکویه، التجارب الامم، ج ۱ (تهران: دارسروش، ۱۴۰۷)، ص

۲۰۹-۲۱۲؛ حموی، ج ۴، ص ۱۱۷؛ ابن کثیر، البدايه و النهايه، ج ۴ (بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌تا)، ص ۱۱۱؛ ج ۲، ص ۸۴-۸۵.

۱۲. ابو یوسف، الخراج و صناعه الکتابه (بیروت: المعرفه، ۱۳۰۲)، ص ۱۴۵-۱۴۶؛ عزالدین علی ابن اَثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲ (بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵)،

ص ۳۹۴-۳۹۵؛ هشام جعيط، کوفه، بیدایش شهر اسلامی، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم (مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲)، ص ۲۸.

۱۳. ابن اعثم، ج ۱، ص ۷۱.

عمر است.^۱ خلیفه بن خیاط حضور تمیم را در شام نمی‌پذیرد،^۲ اما شواهد و قراین بیانگر آن است که رجال تمیمی در فتوح شام و از جمله در پیکار یرموک شرکت داشتند.^۳ با این حال، ایراد روایت سیف این است که وی درباره نقش بنی تمیم در فتح شام و غرب اسلامی بزرگ‌نمایی و قصه‌پردازی کرده است. با استناد به اخبار فتوح می‌توان گفت حضور تمیم در عراق و شرق به صورت قبیله‌ای، وسیع و با حضور طوایف مختلف و به صورت مستمر بوده، حال آنکه در ماجرای فتح شام منحصر به فتوح نخستین تا فتح یرموک و در فتح مصر نیز، با استناد به اخبار واقدی، ابن اعثم، ابوالفرج اصفهانی و سمعانی، محدود به افراد تمیمی امی بوده است.^۴

سیف درباره اسکان تمیم در دو شهر بصره و کوفه و مناطق مفتوحه هم اغراق می‌کند و می‌گوید بیشترین دستاورد فتوح را به خویشاوندان خود اختصاص دهد.^۵ مطابق روایت سیف، بیشتر بنی تمیم کوفه از قبایل بدوی بودند^۶ که در مجموع چهل طایفه می‌شدند و در چهار منطقه کوفه استقرار داشتند.^۷ وضعیت تمیم بصره نیز چنین بود.^۸ اما واقع آن است که قبیله تمیم از نخستین قبایلی بودند که به دستور عتبه بن غزوان و سعد بن ابی وقاص به ترتیب در دو شهر بصره و کوفه ساکن شدند و عتبه دو دهکده خُریبه را به جنگاوران تمیم داد.^۹ سیف در این زمینه با نقل اخباری از ذلت و ناتوانی سپاهیان ساسانی و به اسارت درآمدن سربازان، زنان و کودکان ایرانی و با تأکید بر خصلت‌های قومی اعراب در پی تضعیف فرهنگ ایرانی است.^{۱۰} یکی از صحنه‌های ساختگی سیف نبرد ولجه است. او از فرماندهای ایرانی با نام اندرزگر سخن می‌گوید که با خالد بن ولید، فرمانده سپاه مسلمانان، روبه‌رو شد. اندرزگر در روایت سیف مردی افسانه‌ای با قدرتی برابر با هزار مرد است که خالد بر او را غلبه می‌کند و جشنی به مناسبت این پیروزی ترتیب می‌دهد. این تصویرسازی در نبرد حیره و خورنق،^{۱۱} فتح مصیخ^{۱۲} و ولایت رومستان^{۱۳} نیز تکرار می‌شود. سیف با دروغ‌پردازی و بزرگ‌نمایی صحنه‌های رویارویی اعراب و ایرانیان و ارائه نمایشی

۱. همان، ص ۷۲-۷۹؛ مسکویه، ج ۱، ص ۱۶۳؛ ابن جوزی، ج ۴، ص ۹۷.

۲. ابن خیاط، ص ۷۹-۸۱.

۳. واقدی، فتوح الشام، ج ۱، ص ۱۷۴ و ۲۱۷ و ۲۶۳ و ۲۷۸-۲۷۹ و ۲۹۰ و ۳۰۶؛ ابن اعثم، ج ۱، ص ۱۹۸ و ۲۰۹.

۴. واقدی، همان؛ ابن اعثم، همان؛ ابوالفرج الإصفهانی، الأغانی، ج ۱ (بیروت: دارالنفاه، ۱۹۵۹)، ص ۱۹۹-۲۰۰؛ عبدالکریم بن محمد سمعانی، الانساب (بغداد: مکتبه المثنی، بی‌تا)، ص ۲۸۳.

۵. واقدی، الرده، ص ۲۲۰؛ ابن اعثم، ج ۱، ص ۷۲-۷۴.

۶. احمد یعقوبی، البلبان (بغداد: مکتبه المثنی، ۱۸۹۲)، ص ۳۱۰-۳۱۱؛ جعيط، ص ۸۸ به بعد.

۷. جعيط، ص ۱۵۲-۱۵۳ و ۸۹-۹۳.

۸. الاصفهانی، ج ۳، ص ۲۵۲-۲۵۳؛ جعيط، ص ۱۸۸.

۹. ابن سعد، ج ۷، ص ۷-۸؛ بلاذری، فتوح البلبان، ص ۳۳۳-۳۳۴.

۱۰. طبری (۱۳۵۸)، ج ۴، ص ۲۰۹۵-۲۰۹۶ و ۲۰۶۹-۲۰۷۲.

۱۱. واقدی، فتوح الشام، ص ۱۷۳-۱۸۴.

۱۲. طبری (۱۳۵۸)، ج ۴، ص ۲۰۶۹-۲۰۷۲.

۱۳. حموی، ج ۴، ص ۸۳۴-۸۳۵.

قهرمانانه از شجاعت و بزرگمنشی اعراب، از هویت عربی دفاع می‌کند و آن را عامل نجات اعراب از دست بیگانگان می‌داند. او ابایی ندارد که گذشته را بازسازی و به نام تاریخ برای دیگران روایت کند. این اخبار، چنانکه روشن است، مورد استناد مورخان اسلامی و منابع پساطبری قرار گرفت و به‌عنوان بخشی از واقعیت‌های تاریخ اسلام و فرهنگ اسلامی تحلیل و ارزیابی شد. نبود شواهد و قراینی از این اخبار در روایات غیر سیفی^۱ و سیاست ابوبکر در عدم حضور قبایل اهل رده از جمله نقدهایی است که می‌توان به روایات سیف وارد کرد.

سیف خود را هوادار سه خلیفه اول می‌داند و در این قضیه ثابت‌قدم است. ارادت او و خاندانش به عمر بن خطاب و بیزاری او از غلامی که عمر را به قتل رساند تا جایی است که مردی از بنی تمیم را عامل قصاص قاتل عمر معرفی می‌کند.^۲ از روایات سیف چنین برمی‌آید که اگر عجم در مدینه احساس راحتی و آزادی عمل نداشت به خلیفه دوم دسترسی پیدا نمی‌کرد. علاوه بر روایت سیف، این نکته از مطالبه عبیدالله بن عمر و رویکرد عثمان در آغاز خلافتش نیز هویداست.^۳

سیف گرایش‌های عثمانی داشت^۴ یا حداقل روایات او این‌گونه نشان می‌دهد.^۵ بنا بر گزارش‌های وی، علت انتخاب عثمان در شورای عمر بهره‌مندی او از علم دینی و سن بیشتر او نسبت به دیگر اعضا بود.^۶ براساس روایت سیف، در جریان خلافت عثمان، مردم در دو گروه قرار می‌گیرند: آدم‌های خوب که به دفاع از عثمان برخاستند و آدم‌های بد که در مقابل او قرار گرفتند. طبری به‌عنوان کسی که روایات سیف را نقل کرده است، هیچ موضعی نمی‌گیرد و بالاتر آنکه به گونه‌ای روایت سیف و واقعی را کنار هم قرار می‌دهد که اگر کسی دنبال روایت روشن و مستقیمی از این واقعه باشد، روایات سیف را انتخاب می‌کند.^۷ او درباره مخالفان عثمان، بیشتر بر رفتار کوفیان تمرکز می‌کند. عموم مردم را مطیع و همراه عثمان و مخالفان را محدود به چند نفر بیان می‌کند و جریان عثمانیه را با پیکار صفین مرتبط و مطالبه‌گری معاویه را همسو با حقانیت عثمان می‌داند.^۸

سیف روایتی نمایشی و البته جاندار از قتل عثمان نقل کرده است. مهم‌ترین وجه تمایز روایات سیفی و

۱. ابن خیاط، ص ۷۹-۸۱؛ واقدی، الرده، ص ۶۸؛ ابو عبیده معمر بن مثنی، الأيام العرب قبل الإسلام، تحقیق عادل جاسم البیاتی، ج ۲ (بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۷)، ص ۱۴۳.

۲. سیف بن عمر التمیمی، الرده و الفتوح و کتاب جمل و مسیر عایشه و علی، تحقیق قاسم السامرایی (ریاض: دار امیه، ۱۴۱۸)، ص ۹.

۳. همان، ص ۱۰-۱۳.

۴. همان، ص ۱۱۶-۱۱۸.

۵. بنگرید به: احمد پاکتچی، «پژوهشی در کتابشناسی جنگ‌های رده»، مقالات و بررسی‌ها، ش ۶۶ (۱۳۷۸)، ص ۲۶۱-۲۷۶.

۶. التمیمی، الرده و الفتوح، ص ۵-۷.

۷. مارشال هاجسن، «دو مورخ مسلمان دوران پیشاتوین، مشکلات و فرصت‌های نهفته در ارائه آنان به دوران جدید»، طبری پژوهی، گردآورنده محمدحسین ساکت، ج ۱ (تهران: نشر کتاب، ۱۳۹۳)، ص ۲۱۶.

۸. التمیمی، الرده و الفتوح، ص ۳۶-۳۷.

غیر آن در این باره مربوط به داستان عبدالله بن سبا (ابن سواد) است.^۱ مطابق روایت سیف، دلیل شورش مردم علیه عثمان و قتل وی نفوذ یک یهودی تازه‌مسلمان به نام عبدالله بن سبا در بین مسلمانان، بدگویی او علیه عثمان و تحریک همگان به قتل اوست. خاستگاه ابن سبا از یمن و عقاید او برگرفته از ادیان پیشین، خاصه یهودیت، بود. ابن سبا از علی (ع) در برابر عثمان دفاع می‌کرد.^۲ سیف داستان عبدالله بن سبا را با ناراضیتی مردم از عثمان، به‌ویژه در کوفه و بصره، به هم پیوند می‌زند و او را مصداق افساد فی الارض معرفی می‌کند.^۳

تمیم عراق در قتل عثمان شرکت داشتند و در عین حال از خونخواهان او بودند.^۴ اما سیف برای توجیه نقش تمیم در شورش علیه عثمان و خونخواهی وی قصه‌پردازی کرده است.^۵ به نظر می‌رسد سیف به دنبال توجیه اعمال صحابه، تقدیس و تطهیر عثمان، موجه‌سازی مواضع مقطعی تمیم در اعتراض به عثمان و بازگرداندن ابهت این قبیله به دوران فتوح است تا بدین واسطه نقش آنها را در مخالفت با عثمان ناچیز و ناشی از التهابات سیاسی جلوه دهد.^۶

مواضع عثمانی و ضد شیعی سیف در روایت قتل عثمان با تحریف نبرد جمل کامل می‌شود.^۷ به گزارش او، زمانی که علی (ع) خطبه‌ای در تهییج و بسیج مردم برای مقابله با ناکشین خواند، تنها دو تن از انصار پاسخ او را اجابت کردند.^۸

سیف، ساده‌انگارانه، تصویری آشتی‌جویانه و مثبت‌گرا از همه یاران پیامبر (ص) دارد و آنها را دوست عثمان نشان می‌دهد. حال آنکه مطابق روایات دیگر، سرشناسان صحابه از مخالفان عثمان یا حداقل از کسانی بودند که برای جلوگیری از قتل او کاری نکردند.^۹ در نتیجه، با بررسی روایت واقعی و دیگر گزارش‌ها معلوم می‌شود گفته‌های سیف خلاف واقع و هضم‌ناشدنی است.^{۱۰}

با سقوط امویان و روی کار آمدن عباسیان رقبای سرسخت اعراب، یعنی ایرانیان، هم قدرت گرفتند. این مسئله بیش از همه برای آن دسته از اعراب، از جمله سیف، مهم جلوه می‌نمود که در فضای عصیت

۱. همان، ص ۹۴-۹۵.

۲. همان، ص ۱۳۹-۱۴۰ به بعد.

۳. همان، ص ۵۷-۵۹.

۴. طبری (۱۳۶۲)، ج ۶ ص ۳۰۶۵؛ ابن عبدربه، *العقد الفرید*، ج ۳ (بیروت: دارالفکر، ۱۳۵۹)، ص ۴۵؛ ابن اثیر، ج ۵، ص ۴۴.

۵. طبری (۱۳۶۲)، ج ۶ ص ۳۱۶۹-۳۱۷۱؛ ابن قتیبه دینوری، *المعارف* (مصر: دارالمعارف، ۱۱۱۹)، ص ۶۰-۶۱؛ مسکویه، ج ۱، ص ۳۰۶-۳۱۲.

۶. طبری (۱۳۵۸)، ج ۶ ص ۲۹۳۱-۲۹۳۲.

۷. ابن اعثم، ج ۲، ص ۴۹۲.

۸. ابن حجر، *الاصابه*، ج ۲، ص ۲۴۱.

۹. ابن اعثم، ج ۲، ص ۳۷۷-۳۷۸؛ مسکویه، ج ۱، ص ۲۷۹-۲۸۰؛ ابن ابی الحدید، *جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه*، ترجمه محمود مهدوی، ج ۱ (تی: تهران،

۱۳۶۷)، ص ۲۸۰؛ ابن جوزی، ج ۵، ص ۴۴.

۱۰. هاجسن، ص ۲۱۴-۲۱۸.

قومی و قبیله‌ای عراق به سر می‌بردند. گویا برای کسی چون سیف قابل تصور نبود که بنی‌تمیم و اعراب سر سفره عجم نشستند، خود را باخته و ناچیز انگارند و از خوی و آداب ایرانیان تبعیت کنند.^۱ سیف هم شایسته فرهنگ عربی، هم سرباز مکتب خلافت و هم میراث‌خوار تفکر عثمانی بود. به همین دلیل به جنگ ایرانیان رفت و شعار «یا للعرب، وامصیبتاه، واسفا» سر داد و رسالت هویت عربی را بر گرده قبیله تمیم نهاد که خود را وام‌دار آنان می‌دانست.

۲. نظام قبیله‌ای عرب

گرایش‌های سیاسی و مناسبات اجتماعی اعراب و حتی روایات آنها از تاریخ گذشتگان رابطه مستقیمی با نسب و میزان پابندی به سنت‌های فرهنگی و عصبیت قبیله‌ای داشت. عصبیت قبیله‌ای که نگرشی انحصارگراست، بقا و حیات عرب را تضمین می‌کرد و از قبیله یک واحد سیاسی و اجتماعی به وجود می‌آورد که وظیفه‌اش دفاع از حقوق قبایل و کیان عربی و حضور فعال و پویا در مواجهه با تغییرات اجتماعی بود. به علاوه، متغیرهای مهمی چون سکونت در مرزها و تعامل با عناصر غیرعربی، مانند ایرانیان، و وجود عواملی چون خشونت‌طلبی، احساس محرومیت، رقابت و از همه مهم‌تر تفاخرطلبی در بنی‌تمیم باعث می‌شد تا این قبیله در دوران جاهلی و اسلامی قالبی ساختار شکنانه به خود بگیرد و بیشتر در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی حضور پیدا کند. در نتیجه، ارتباط تمیم با ساسانیان تحولی اساسی در اندیشه سیاسی آنها ایجاد کرد و جهت فکری آنها را از بیوتات و ریاست قبیله‌ای به سیادت و پادشاهی اعراب سوق داد. سیف این ایده را پروراند و به اعراب فهماند که باید برای تحقق آن به پا خیزند. اما چون فرهنگ ایرانی و فرهنگ پاک و الهی اسلام، سنت‌های جاهلی و از آن جمله تمدن و فرهنگ اعراب را انکار می‌کرد و روح عصبیت جمعی را در میان آنها سست می‌ساخت، سیف همزمان فرهنگ اسلامی و ایرانی، هر دو، را تحقیر می‌کرد. طبری به نقل از سیف و دیگران به نقل از طبری، مدعی هستند در جریان نخستین فتوحات اسلامی، سپاهیان ساسانی در برابر حملات نامنظم اعراب تاب مقاومت نیاوردند و بسیاری از آنها، از جمله فرماندهان ایرانی مانند قارن، انوشگان و...، در نبردهای ابتدایی مسلمانان کشته و اسیر شدند. از این نمونه تلفات نبرد مذار است که تعداد آن را سی هزار آورده است.^۲ سیف در این باره اغراق کرده و دروغ گفته است. از مکان‌ها، زمان‌ها، افراد و صحنه‌هایی یاد می‌کند که واقعیت ندارند.^۳ در روایات سیف، بن‌مایه فرهنگی اعراب براساس عصبیت^۴ شکل می‌گیرد، زیرا عصبیت علاوه بر اینکه

۱. طبری (۱۳۵۸)، ج ۵: ابن اثیر، ج ۲.

۲. طبری (۱۳۵۸)، ج ۴، ص ۱۴۸۴-۱۴۸۶ و بعد از آن؛ حموی، ج ۴، ص ۸۳۴-۸۳۵.

۳. ابوحنیفه الدینوری، *الأخبار الطوال* (قم: الرضی، ۱۹۶۰)، ص ۱۴۹؛ احمد بن یحیی بلاذری، *أنساب الأشراف*، ج ۱ (قم: مجمع إحياء الثقافة الاسلامیة، ۱۴۱۶ق)، ص ۳۸۲؛ ابن حجر، *الاصابه*، ج ۱، ص ۴۱۳؛ عسکری، ج ۲، ص ۱۸۳-۱۸۸۴.

باعث می‌شود همه اعضای یک قبیله به واسطه احساس یگانگی و پیوستگی به یکدیگر، مشارکت اجتماعی بیشتری داشته باشند، سبب فزونی جمعیت، فراوانی نسل و افتخار به قدرت و توانایی‌های فردی می‌شود. آنچه عصبیت عرب را حفظ و تقویت می‌کرد زندگی در بادیه بود. به همین جهت، اعراب بادیه را بر زندگی حضری ترجیح دادند و با خلافت عربی و امویان نیز به این دلیل که سبب تحکیم پایه‌های عصبیت عربی و تشدید جنگ‌های قومی و تحریک عواطف عمومی غیرعرب شدند، همراهی کردند. چنانکه با فرهنگ اسلامی که مظاهر فرهنگی پیشین را به نقد کشید، به مبارزه برخاستند.

۳. ایام العرب، محور هویت عربی

اگرچه احساس محرومیت و تأمین منابع معیشتی در ظهور ایام العرب نقش داشت، پایبندی به سنت‌ها و عصبیت هم یکی از ارکان حیاتی اعراب بود. عرب از اجتماعات بزرگ انسانی و نظم فراقبیله‌ای، خلاقیت، صنعت، قانون، دانش و حکومت که از نشانه‌های تمدن و پیشرفت است، گریزان بود و در عوض ایام العرب را نشانه حَسَب، شرف و برتری می‌دانست. نزاع و تنش چنان در اندیشه اجتماعی و بینش قومی و قبیله‌ای عرب ریشه دوانده بود که به جرأت می‌توان گفت ایام العرب مؤلفه اصلی هویت عرب به شمار می‌آید. ایام العرب عامل برتری و ایجاد همبستگی بیشتر اعراب و ضامن بقای ایشان بود. از این میان بیشترین روایات ایام العرب منسوب به تمیم است.

یکی از مسائل مهمی که در روایات سیف مشهود است، توصیف تاریخ عرب به شیوه ایام العرب است. با توجه به آنکه محور روایات سیف رده و فتوح است، استفاده از واژه «یوم» برای پیکارهای اعراب مسلمان با سپاه ساسانی بیانگر این حقیقت است که رویکرد سیف احیای هویت عربی و پیوند با گذشته اعراب است. عناوین نخستین فتوح اسلامی در روایات سیف عبارت‌اند از: یوم ارمات، یوم السواد، یوم قادسیه و... در این پیکارها اعضای بنی تمیم مانند زهره بن حویه تمیمی، پسران مذکور تمیمی، عبدالله بن حابس تمیمی، قتاده بن حویه تمیمی، منقع بن حصین، سبیبان بن مخبل سعدی و دیگران نقش فعال و اثرگذاری دارند. سیف همچنین توجه دارد صحنه‌هایی را به روایت بکشد که به رزم و جنگاوری می‌انجامد. حالات و رزهای رزم‌آوران عرب را به تصویر می‌کشد. سپاه ساسانی را پرطمطراق نمایش می‌دهد و در عوض هوش و شجاعت و عصبیت اعراب را نماد پیروزی آنها می‌داند. در روایات سیف، آن سوی میدان رزم پر از اختلاف و قساوت است و این سو محل شجاعت و جوانمردی و عصبیت. رجال نام‌آور تمیمی در روایات سیف گوی سبقت را روده‌اند.^۱

۱. واقدی، فتوح الشام، ج ۲، ص ۱۷۳-۱۹۴؛ بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۵۴؛ ابن اعثم، ج ۱، ص ۱۶۰-۱۶۳؛ طبری، ج ۲، ص ۲۳۵۶-۲۳۵۸؛ مسکویه، ج ۱، ص ۲۰۹-۲۱۲؛ ابن اثیر، ج ۲، ص ۵۰۵-۵۰۸؛ جیب، ص ۴۰-۴۱.

روحیهٔ عصبیت و برتری‌جویی تمیم تأثیر بسیاری بر حضور اجتماعی و مواجههٔ این قبیله با اسلام و آموزه‌های آن داشت. آنان مدعی بودند شرف و سروری اعراب از آن تمیم است.^۱ سیف نیز همین تفکر را داشت. او عصبیت شدیدی به قبیلهٔ تمیم و هویت عربی داشت که این خود تابعی از شرایط محیطی و اقلیمی جزیرهٔ العرب بود. او با روایت ایام العرب، آرمان‌های اجتماعی و هویت عربی را احیا کرد و آنها را تنها عامل بقای عرب دانست. در روایات سیف هر جا که عرب هست ایام العرب هم هست و هر جا که ایام العرب باشد عصبیت و ساختار قبیله‌ای عامل پیروزی است. در اندیشهٔ سیف و هم‌مسلكانش، فتوح در تداوم ایام العرب جاهلی و انگیزهٔ حضور در آن دستیابی به زندگی بهتر و ایجاد همبستگی بیشتر میان اعراب است. الگوی سیف در این زمینه نبرد ذوقار است.^۲ در این جنگ اعراب دو دسته شدند. گروهی به ریاست تمیم به دولت ساسانی پیوستند و برخی با بکر بن وائل و قیس همراه شدند. تمیم خصومت و رقابت دیرینه با بکر داشت و قصد امارت حیره را در سر می‌پروراند.^۳ حال آنکه بکر و متحدانش مصمم به جنگ با ایرانیان بودند. تفرقه‌افکنی ساسانیان و تحقیر اعراب این امکان را فراهم آورد تا اعراب علیه ایرانیان به پا خیزند.^۴ اگرچه ارتباط مستقیمی میان پیروزی اعراب در ذوقار با بعثت رسول الله (ص) وجود ندارد، شاید بتوان گفت خبر غلبهٔ اعراب که از جانب آن حضرت بیان شد^۵ در افزایش امید و انگیزهٔ اعراب بی تأثیر نبود.

پیکار ذوقار عرصهٔ قدرت و همبستگی قومی و ملی اعراب علیه عجم بود. به همین دلیل چنانچه تمیم که خود از داعیه‌داران سروری و ریاست عرب بود، با همکیشان خود همراه نمی‌شد، در نظر اعراب، دوستدار بیگانه، یعنی عجم، شناخته می‌شد و به نوعی عصبیت قومی و پیوند خود را با سنت‌های قبیله‌ای و عربی نفی کرده بود؛ مسئله‌ای که تمیم به شدت مدعی پاسبانی از آن بود و تا آن زمان در میان اعراب به داشتن تعصب قومی و دفاع از حمیت عربی شهرت داشت. به همین سبب، برخلاف قول همکاری با دولت ساسانی، در کنار اعراب قرار گرفت و بکریان که منتظر فرصت بودند، انتقام خود را از تمیم گرفتند و بسیاری از جنگاوران این قبیله را به قتل رساندند.^۶

احساس قومی و تعصب نژادی عرب بار دیگر قبایل عرب را به صورت یک واحد قبیله‌ای درآورد و آنها را که برای حفظ هویت قومی و فردی و ملی خود تلاش می‌کردند، در عرصهٔ رقابت جهانی آن روزها پیروز

۱. مارتین هیندز، «ریشه‌شناسی جریان‌های سیاسی کوفه در نیمهٔ نخست قرن اول هجری»، ترجمهٔ محمدعلی رنجبر، فصلنامهٔ تاریخ اسلام، ش ۱ (۱۳۸۱)، ص ۱۱۹-۱۶۲.

۲. طبری (۱۳۵۸)، ج ۲، ص ۷۴۶-۷۵۹.

۳. ابوعبیده معمر بن مثنی، *التقایض جریر و فرزدق*، ج ۱ (بغداد: مکتبه المثنی، بی‌تا)، ص ۳۴۲.

۴. ابوعبیده، *الایام العرب قبل الإسلام*، ج ۲، ص ۴۸۹-۵۰۱؛ دینوری، *الأخبار الطوال*، ص ۱۰۷-۱۱۰.

۵. طبری (۱۳۶۲)، ج ۲، ص ۷۴۶.

۶. ابوعبیده، *الایام العرب قبل الإسلام*، ج ۲، ص ۴۸۹-۵۰۱؛ ابوعبیده، *التقایض جریر و فرزدق*، ج ۲، ص ۶۳۸-۶۴۸؛ دینوری، *الأخبار الطوال*، ص ۱۰۷-۱۱۰.

ساخت. ذوقار آزمون بزرگی برای عرب و عجم بود. ذوقار نماد رویارویی دو قوم، دو فرهنگ و دو دیدگاه و دفاع تمام قد اعراب از هویت خود بود، خواه در میدان جنگ و خون و خواه در صحنه تاریخ و ادبیات. سیف به این تفکر تعلق داشت. او خود را نماینده اعراب می‌دانست. برای همین هم تمام تلاش خود را صرف احیای فرهنگ و قومیت عرب و بازآفرینی ایام العرب گذشته، همچون ذوقار، کرد. اگرچه این درگیری‌ها در رفع محرومیت‌ها، تأمین معاش و برآورده کردن نیازهای حیاتی مانند دستیابی به مرتع یا آب و مسکن نقش اساسی داشت، کسانی چون سیف نبرد ذوقار را اوج فضیلت عربی، میراث تاریخی و قومی اجتماع عربی می‌دانستند و ایام العرب را فرصتی برای آزمون عصبیت و تعهدمندی به سنت‌های اجتماعی و دلالت بر هویت عربی می‌شمردند. و تمیم که داعیه سروری اعراب را داشت، گرچه در میدان ذوقار افتخاری کسب نکرد، بار دیگر با روایات سیف وارد صحنه نبرد شد و ریاست اعراب را در میدان مقابله با عجم بر عهده گرفت. بدین ترتیب، سیف نبرد با ایرانیان را در نقل تاریخ تداوم بخشید و تمیم را میدان‌دار آن کرد.

یکی از صحنه‌های تلافی‌جویانه در روایات سیف مربوط به ماجرای نهر الدم است که در آن خالد بن ولید فرماندهی مسلمانان را بر عهده داشت. براساس روایت طبری از سیف، خالد بن ولید نذر کرد که اگر بر ایرانیان و بهمن جادویه، سردار ایرانی، دست یابد بسیار از آنها بکشد و خون‌هایشان را در رود روان کند. همچنین پس از آنکه اعراب در این نبرد پیروز شدند، دستور داد «اسیر بگیرید، اسیر بگیرید، هیچ کس را نکشید مگر آنکه مقاومت کند.» به فرمان خالد اسیران را جمع کردند و گردن‌هایشان را در کنار رود زدند. تا سه روز آسیاب‌ها برای هجده هزار سپاهی مسلمان گندم آسیاب می‌کردند. تعداد کشتگان این نبرد براساس روایت سیف هفتاد هزار نفر بودند.^۱ آیا جز این است که سیف می‌خواهد صحنه‌های جاهلی را دوباره احیا کند، با این تفاوت که آنچه او بیان می‌کند زائیده تخیلش است و بوی مقابله با اسلام و غیرعرب را می‌دهد.^۲

یکی از ویژگی‌های مهم روایات سیف قهرمان‌پروری است. او از برساختن قهرمانانی که از خویشاوندنش هستند پا را فراتر می‌گذرد و از هر کسی که از هویت عربی حراست نماید دفاع می‌کند. خالد بن ولید قهرمان سیف در جریان رده و فتوح است. سیف اخبار عراق را با خالد بن ولید پیش می‌برد و چنانکه پیش از این آمد، سخنان او را محور نگاه تاریخی خود قرار می‌دهد. از این نمونه است قسم خالد در فتح البیس و رود خون. او خالد را مورد عنایت خدایان می‌داند. داستان زنده ماندن خالد در فتح حیره از این دست است. او نذر خالد برای شکست ایرانیان، گردن زدن آنها و تناول غذا بر سر جنازه فرماندهان ایرانی را در

۱. طبری (۱۳۵۸)، ج ۲، ص ۳۱۴.

۲. عسکری، ج ۱، ص ۱۵۰.

قالبی حماسی روایت می‌کند.^۱ این اقدامات خالد، همان‌طور که برخی بیان کرده‌اند، به معنای احیای ایام العرب و اجرای احکام جاهلی بود.^۲ چنانکه برخی از قبایل در مخالفت با او از مسلمانان بریدند و برخی به ساسانیان پیوستند.^۳ سیف برای تقویت جایگاه خالد و تأیید اقدامات او به سخنی از ابوبکر استناد می‌کند که وقتی خبر پیروزی خالد در نبرد امغیشیا و خرابی آن به ابوبکر رسید گفت: «ای گروه قریش، شیر شما خالد بر شیری حمله برد و او را از هم درید. زنان از آوردن فردی چون خالد عاجزند.»^۴

قعقاع اُعبد تمیمی، اط بن ابی اط تمیمی، زهره بن حویه تمیمی و عاصم بن عمرو اسیدی از دیگر قهرمانان داستان‌های سیف در روایت فتوح هستند.^۵ شیوه شخصیت‌پردازی سیف در معرفی عبدالله بن سبا و نقش او در تحریک مسلمانان علیه عثمان به اوج خود می‌رسد. سیف علاقه‌مند است با شخصیت‌پردازی نبض گذشته را به دست گیرد و آن‌گونه که تمایل دارد آن را بازسازی کند. رد پای شخصیت‌های ذهنی او تا دوران عثمان دیده می‌شود. قعقاع بن عمرو و عاصم بن عمرو از این نمونه هستند. عاصم حاکم عثمان در کرمان بود و در این زمان مرد.^۶ قعقاع بن عمرو تمیمی نیز کسی بود که هم از عثمان دفاع می‌کرد و هم می‌کوشید مخالفان او را قانع و راضی کند.^۷ تا از خلع عثمان منصرف شوند. سیف در این موقعیت هم دست از عجم‌ها بر نمی‌دارد و شعری را که ابن حیناء در مفاخره با عجم‌ها و اعراب سروده است بیان می‌کند و فرماندهی و میانجی‌گری را از جمله صفات مردان تمیم برمی‌شمارد.^۸ سیف با شمشیر قلم و اندیشه به میدان آمد و سهم اصلی غنائم را به خویشاوندان خود اختصاص داد. او ایام العرب را با فتوح اسلامی پیوند زد و از آن مجموعه‌ای گران‌سنگ خلق کرد که تفساخر، تمسخر و عصبیت در آن موج می‌زد. سیف حتی در این کار از برساختن شاعرانی که زبان به مدح عرب باز کنند و یاوه‌های او را بازگویند دریغ نکرد. ابو مفرز تمیمی و عاصم بن عمرو شاعرانی از این گروه هستند.^۹ در اندیشه سیف تنها راه نجات اعراب پیوند آنها با گذشته بود و ایام العرب این خواسته او را تأمین می‌کرد. سیف با ایجاد پیوند بین ایام العرب و آرمان‌های تاریخی اعراب حماسه جدیدی را خلق کرد که خلأهای ناشی از خودباختگی و حقارت اعراب را پر می‌کرد و آنها را برای خیزش دوباره در برابر ایرانیان مصمم می‌ساخت. سیف نقش مهمی در تحریک احساسات قومی و بازخوانی عصبیت عربی که رو به افول بود،

۱. طبری، ج ۴، ص ۲۰۶۹-۲۰۷۲؛ ابن اثیر، ج ۲، ص ۳۹۴.

۲. مریم سعیدیان جزئی، قبیله بنو تمیم و نقش آن در تاریخ اسلام و ایران (قم: کتابخانه اسلام و ایران، ۱۳۸۲)، ص ۵۳.

۳. جعیط، ص ۲۸.

۴. طبری (۱۳۵۸)، ج ۲، ص ۳۱۵.

۵. همان، ج ۴، ص ۲۰۶۹-۲۰۷۲ و ۱۴۸۳-۱۴۸۴؛ حموی، ج ۴، ص ۸۳۴-۸۳۵؛ واقعی، فتوح الشام، ج ۲، ص ۱۷۳-۱۷۴.

۶. همان، ص ۹۱.

۷. التمیمی، الرده و الفتوح، ص ۷۸.

۸. همان، ص ۷۷.

۹. همان، ص ۶۳؛ طبری (۱۳۵۸)، ج ۴، ص ۱۴۸۳-۱۴۸۴؛ عسکری، ج ۲، ص ۵۷.

ایفا کرد. او با نادیده گرفتن زمینه‌های فتوح اسلامی و ارتباط آن با تعالیم دینی (جهاد)، مواجهه اعراب با پارسیان را تا حد یک خصومت قومی نژادی پایین آورد و در زمانی که فرهنگ ایرانی به دنبال بازتولید مفهوم ملت پارسی و ربودن گوی سبقت از فرهنگ عربی بود، به نقد اوضاع زمانه پرداخت. سیف بیم آن را داشت که مبادا پارسیان دوباره قدرت بگیرند و اعراب زخم خورده بار دیگر به خدمت گرفته شوند.

۴. شرایط عصر اول عباسی

تجربه جامعه اسلامی و شرایط محیطی و اجتماعی معاصر از جمله عواملی بودند که در تحکیم آگاهی انتقادی سیف و رویکرد هویت‌نگارانه او نقش مؤثری ایفا کردند. با رحلت رسول‌الله (ص) بخشی از مسلمانان مسیر خود را از سیره و سنت آن حضرت تغییر دادند. نقشه این تغییر چنین بود: در حوزه سیاسی طرح به هم پیوستگی اسلامی به عنوان آرمان اسلامی معرفی شد،^۱ در حوزه اجتماعی ایده تبدیل پایبندی اسلامی به تعادل فرهنگی^۲ و در حوزه فکر و اندیشه تقلیل مفهوم جهاد و آگاهی انتقادی دینی به مدرنیته اسلامی سنتی و تبدیل مفهوم بدعت به ایده‌های خلاقانه^۳ مطرح گشت. این دیدگاه در میان برخی از رهبران دینی و سیاسی وجود داشت که باید همبستگی جامعه مسلمانان حفظ شود حتی اگر لازمه اش پذیرفتن حاکمان موجود باشد. هدف اصلی این تفکر دفاع از هویت اسلامی با اصرار بر حفظ مرزهای اجتماعی بود.^۴ یک نوع مهندسی سیاسی فرهنگ در حال شکل‌گیری بود که می‌توان آن را به تعبیر هاجسن «اسلامی‌سازی» نامید. این فرایند به دنبال نادیده گرفتن هویت غیر اعراب و حرکت به سوی جامعه اسلامی عربی بود^۵ و میراث فرهنگی عرب را از سه طریق احیا می‌کرد: نخست، ایجاد مؤسسات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر مبنای هویت عربی؛ دوم، احیای شبکه‌های فرهنگی و سنتی اعراب و سوم، تشکیل سازمان فضایی شهرهای اسلامی که بر مبنای وابستگی قبیله‌ای بود. در این طرح اسلام عاملی برای همبستگی اعراب و عامل شکل‌گیری هویت فوق‌العاده آنها می‌شد^۶ و دو مؤلفه بدعت و جهاد، سنت‌ها و قانون‌های قبیله‌ای را تأیید می‌کرد.^۷

در این حالت، جامعه اسلامی همسو با خطوط مذهبی و نهادهای سازمانی حرکت می‌کرد و جوامع

1. Hodgson marshal.G. S. (Editor), "Venture of Islam", Vol. 3 (Chicago: The University of Chicago Press, 1974), pp. 159-162.

2. David Siddhartha Patel, *Political Engineering and the Origins of Culture: The Institutional Foundations of the Rise of Islam* (Stanford: Stanford University press, 2007).

3. Abdullah 'Umar Faruq, "Heaven", *An Encyclopedia of the Prophet of God*, Edited by C. Fitzpatrick and A. Walker, Santa Barbara, Vol. I. (ABC-CLIO, 2014), pp. 251-254.

۴. هاجسن، ص ۲۱۸-۲۱۴.

5. Uriel Simonsohn, "Conversion and Apostasy in Early Islam. Medieval Encounters", online ediated, accessed 04 August 2020. <http://haifa.academia.edu>.

6. cf. Patel.

7. 'Umar Faruq, pp. 251-254.

مذهبی را در محاصره اجتماعی قرار می‌داد و نخبگان و رهبران سیاسی تقریباً خودمختارانه در تعامل محدود با محیط داخلی مذهبی خود عمل می‌کردند.^۱ محافل علمی و سازمان‌های مذهبی موظف بودند قوانینی را وضع کنند که ساختارها و نظم موجود را حفظ کنند.^۲ شاعران و نویسندگان و مورخان هم می‌بایست، در قالب چشم‌انداز اجتماعی، این اندیشه را با فرهنگ اسلامی ترکیب و جریان‌های مخالف و ناهمسو را محکوم کنند. گفته‌های احنف بن قیس تمیمی، سمره بن جندب، نافع بن جبیر، عامر بن عبدالقیس، عبدالله بن اهتم منقری در وصف فضایل عرب و مثالب عجم در امتداد این جریان بود.^۳ این جریان در دوران سیف ادامه یافت و در اندیشه عبدالملک اصمعی (درگذشت ۲۱۳ق/۸۲۸م)،^۴ ابو عبدالله جمعی،^۵ جاحظ (درگذشت ۲۵۵ق/۸۶۹م)،^۶ ابن قتیبه دینوری (درگذشت ۲۷۶ق/۸۶۹م)^۷ و متنبی (درگذشت ۳۵۴ق/۹۶۵م)^۸ و مورخان برجسته اسلامی مانند محمد بن جریر طبری (درگذشت ۳۱۰ق/۹۲۲م) به حد اعلای خود رسید.^۹

با روی کار آمدن عباسیان مهندسی فرهنگ تحت تأثیر آرمان‌های ایرانیان قرار گرفت و جریانی به وجود آمد به نام «شعوبیه» که تشعب و عصبیت از ارکان اصلی آن بود.^{۱۰} شعوبیه شأن اعراب را کوچک شمرد و آنان را از غیرعرب برتر ندانست^{۱۱} و به تلافی گذشته به اعراب فخر فروخت.^{۱۲} اسماعیل بن یسار (درگذشت پیش از ۱۳۰ق/۷۴۸م)،^{۱۳} بشار بن برد (درگذشت ۱۹۸ق/۸۱۴م)،^{۱۴} ابونواس حسن بن هانی حکمی (درگذشت ۱۹۶ تا ۱۹۹ق/۸۱۲-۸۱۵م)،^{۱۵} ابان بن عبدالحمید لاحقی (درگذشت ۲۰۰ق/۸۱۶م)،^{۱۶} هیثم بن عدی (درگذشت ۲۰۷ق/۸۲۳م)،^{۱۷} ابوالغاثیه اسماعیل بن قاسم (درگذشت

1. cf. Simonsohn.

2. cf. Patel.

۳. ابن عبدربه، ج ۳، ص ۳۶۵.

۴. ابن ندیم، ص ۶۰-۶۱.

۵. همان، ص ۱۲۴.

۶. ابوعثمان عمرو بن بحر جاحظ، الرسائل الجاحظ، تحقیق علی ابوملحم (بیروت: دار و مکتبه الهلال، ۲۰۰۲)، ص ۱۸-۲۰.

۷. ابن عبدربه، ج ۳، ص ۳۵۸.

۸. همان، ج ۷، ص ۱۶۰ به بعد.

۹. طبری (۱۳۶۲)، ج ۹، ص ۱۰۶.

۱۰. ابن عبدربه، ج ۳، ص ۲۸۹.

۱۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱ (قم: الأدب الحوزه، ۱۴۰۵)، ص ۵۰۰.

۱۲. ابن عبدربه، ج ۳، ص ۳۵۷.

۱۳. الاصبهانی، ج ۴، ص ۴۲۲-۴۲۴؛ آذرتاش آذرنوش، «اسماعیل بن یسار»، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸ (تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷)، ص ۶۵۵-۶۵۷.

۱۴. الاصبهانی، ج ۶، ص ۲۲۷-۲۳۲؛ ج ۴، ص ۲۸-۳۴؛ ابن قتیبه، طبقات الشعرا (لیدن: چاپ دخویه، ۱۹۰۲)، ص ۴۷۶.

۱۵. دیوان ابونواس حکمی، تحقیق احمد عبدالمجید الغزالی (بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۱۲).

۱۶. ابن ندیم، ص ۱۱۸ و ۱۶۳-۱۶۴؛ آذرتاش آذرنوش، «ابان بن عبدالحمید لاحقی»، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲ (تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷)، ص ۳۴۷-۳۴۹؛ حسین ایمانیان، «ابان بن عبدالحمید لاحقی و بازآفرینی نوشته‌های پهلوی»، زبان و ادبیات عربی، ش ۶ (بهار و تابستان ۱۳۹۱)، ص ۱-۱۶.

۱۷. ابن ندیم، ص ۱۲۸-۱۲۹.

۲۱۱ق/۸۲۶م)،^۱ ابو عبیده معمر بن مثنیٰ (درگذشت ۲۱۰-۲۱۱ق/۸۲۶-۸۲۷م)،^۲ دیک الجن عبدالسلام بن رغبان (درگذشت ۲۳۵-۲۳۶ق/۸۵۰-۸۵۱م)^۳ و غیلان (اعلان) شعبوی (اوایل قرن سوم قمری/نهم میلادی) از این دسته‌اند.^۴

عباسیان به دنبال اعمال حاکمیت عربی از طریق نظام سیاسی ایرانی ساسانی بودند، اما سیف آن را به معنای شکست عرب تلقی می‌کرد. نقش سیف حفظ خلافت عربی و پالایش آن از غیرعرب‌ها بود. به همین دلیل سیاست عباسیان را در به‌کارگیری الگوی ایرانی نشانه ضعف آنان می‌شمرد. او در پی تقابل با فرهنگ ایرانی عربی عملاً تمام آموزه‌های اسلام و تجارب جامعه اسلامی را نفی کرد و نهضت شعبویه را در جبهه عربی فعال و پویا نمود.

سیف در زمانی می‌زیست که عباسیان به جای امویان سر کار آمده بودند و ایرانیان سهم مؤثری در این پیروزی داشتند و اندیشه ایرانی به‌عنوان الگوی سیاسی پذیرفته شده بود. شاید از این رو بود که تعصب عربی سیف علیه ایرانیان مجال بروز یافت.

سیف در مقام اعتراض، انتقاد و شورش علیه شرایط موجود و در جهت مقابله با ایرانیان و تضعیف موقعیت آنان به اعراب روی آورد تا زمینه اجتماعی قدرت‌گیری دوباره آنان و ایجاد دولتی بر پایه هویت قومی قبیله‌ای را فراهم کند. در نتیجه این کار، هم ایرانیان از صحنه خارج می‌شدند، هم پایه‌های هویت عربی، یعنی سنت‌ها و هنجارهای قومی قبیله‌ای، حفظ می‌شد و هم دولت عباسیان، به‌عنوان بخشی از امپراتوری اسلام عربی، نسبت به دفاع از کیان اعراب و عصیت قومی احساس همبستگی بیشتری می‌کرد. در زمانی که فرهنگ ایرانی به دنبال بازتولید مفهوم ملت پارسی بود و گوی سبقت را از فرهنگ عربی ربوده بود، سیف با ارائه تصویری افسانه‌ای از گذشته تاریخی اعراب به نقد اوضاع زمانه و به‌ویژه عباسیان پرداخت و سستی طوایف عربی و خودباختگی‌شان در برابر رقبای دیرینه‌شان را به آنان گوشزد کرد.

طرح اسلام‌سازی کسانی مانند سیف را قانع نمی‌ساخت، اما تنها راه برای تغییر شرایط موجود بود. او از این طرح به‌عنوان عاملی روشن‌شناختی^۵ برای انعکاس آرمان‌های اجتماعی برخاسته از خاستگاه قومی اعراب و احیای هویت تاریخی آنها بهره برد. طرح سیف بر سه پایه استوار بود: مهار قدرت، تعادل

۱. الاصبهانی، ج ۴، ص ۲-۳؛ مهران ارزند، «بوالعنه»، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵ (تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷)، ص ۷۲۰-۷۲۹.

۲. ابن ندیم، ص ۵۹-۶۰؛ ابو عبیده، النقایض جریر و فرزدق، ص ۳۱۹-۳۲۲؛ الاصبهانی، ج ۱۱، ص ۷۲.

۳. خالد الحلونی، دیک الجن: اللاتبه و الابداع (دمشق: دار الیمامه، ۲۰۰۱)، ص ۱۳۱؛ عبد السلام بن رغبان، دیوان دیک الجن الحمصی، تحقیق مظهر الحجی (دمشق: اتحاد الکتاب العربی، ۲۰۰۴)؛ مظهر الحجی، دیک الجن الحمصی (دمشق: دار طلاس، ۱۹۸۹).

۴. ابن ندیم، ص ۱۱۸-۱۱۹؛ شوقی ضیف، الفن و مناهبه فی النثر العربی، الثالثه عشره (مصر: دار المعارف، بی‌تا)، ص ۱۲۲.

فرهنگی با رویکرد به گذشته و در نهایت بازآفرینی آرمان‌گرایی عربی. در اندیشه وی آرمان برتری عرب بر عجم با ظهور اسلام فروریخت و اگرچه فتوح و حاکمیت عربی اموی بخشی از هویت اعراب را به نمایش گذاشت، روی کار آمدن عباسیان و نقش فعال ایرانی‌ها ضربه اصلی را به تاریخ عرب زد و زمانه سیف دوران ضعف قدرت اعراب بود. نتیجه آنکه وقتی با نوید دوباره اسلام اصیل مسلمانان به سوی تشکیل امت اسلامی حرکت کردند، تاریخ و هویت عربی احساس خطر کرد و در این شرایط سیف خبر از ذوقاری دیگر سر داد.

نتیجه‌گیری

رویکرد هویت‌گرایانه سیف در روایات او به خوبی مشخص است. و با توجه به اینکه این اندیشه و رویکرد وی در آثار مختلف اسلامی، به ویژه در متون تاریخی، تداوم و بازتاب یافت، بسیاری از پدیده‌های سرنوشت‌ساز تاریخ صدر اسلام در پرده‌ای از ابهام و تحریف فرو رفته است. بنابراین، فهم دقیق این آثار بدون شناخت این رویکرد ناقص خواهد بود. ویژگی‌های شاخص روایات سیف که در جهت احیای هویت عربی و مقابله با هویت ایرانی پیش می‌رفت، از این قرار است:

۱. عصبیت قبیله‌ای سیف در روایات وی مشهود است. او به رده و فتوح توجه ویژه دارد و در نقل تاریخ این دوره‌ها از ایام العرب و رویکرد عصبیت قومی بهره می‌گیرد. او برای احیای هویت اعراب به بازآفرینی گذشته و ثبت اخبار پیروزی‌های آنها می‌پردازد و به این واسطه هم سهم اعراب را در تاریخ اسلام تقویت می‌کند و هم احساسات و عواطف قومی و قبیله‌ای آنها را علیه ایرانیان تحریک می‌نماید. در این میان سهم قبیله تمیم که خویشاوندان وی بودند بسیار برجسته است (گرایش‌های قبیله‌ای سیف).

۲. ترکیب ساختارهای ذهنی در کنار واقعیت‌ها و عوامل بیرونی و محیطی سبب شد اندیشه تاریخ‌نگری سیف به صورتی افراطی به سمت تغییر وضع مطلوب به نفع اعراب پیش رود (آرمان‌گرایی هویت‌گرایانه سیف).

۳. سیف با گرایش‌های سیاسی و عقیدتی خود به مهندسی سیاسی فرهنگ عربی پرداخت و به واسطه پیروی از مکتب خلافت و گرایش‌های عثمانی و قومی خود کوشید از هویت عربی دفاع کند. سیف به دستگاه خلافت، صحابه، سه خلیفه نخستین و حکومت‌های عربی نگاهی جانبدارانه داشت و برای برجسته کردن عصبیت قومی و تخریب مخالفان خود به اخبار دروغین پناه برد (گرایش‌های عثمانی سیف).

۴. سیف برای تحقق آرمان‌های خود و جبران خلأ ناشی از شکست‌های گذشته اعراب از ایرانیان و برای مقابله با هویت نوین ایرانی اسلامی، از طریق تاریخ، ادبیات، ایام العرب (ذوقار)، فتوح و رده به بازآفرینی عصبیت عربی پرداخت و نقش بسزایی در تحرک اعراب و جهت‌بخشی به جریان‌های فرهنگی و اجتماعی، به‌ویژه تاریخ‌نگاری نخستین اسلامی، داشت. او در این زمینه از شرایط عصر اول عباسی و نهضت‌های فکری و اجتماعی آن زمان هم متأثر بود (گرایش‌های اخباری سیف).

کتابنامه

آذرنوش، آذرتاش. «اسماعیل بن یسار»، *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۸، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷.

_____ «ابان بن عبدالحمید لاحقی»، *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۲، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷.

ابن ابی الحدید. *جلوه تاریخ در شرح نهج‌البلاغه*، ترجمه محمود مهدوی، تهران: نی، ۱۳۶۷.

ابن اثیر، عزالدین علی. *الكامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵ ق/۱۹۶۶ م.

ابن اعثم، احمد. *الفتوح*، تحقیق علی شیری، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۱۱ ق/۱۹۶۴ م.

ابن جوزی. *المنتظم فی التاریخ الامم و الملوك*، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.

ابن حجر. *فتح الباری*، ط. الثانیه، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.

ابن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق/۱۹۸۹ م.

ابن خیاط، خلیفه. *کتاب الطبقات*، تحقیق سهیل زکار، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق/۱۹۹۴ م.

ابن سعد، محمد. *الطبقات الکبری*، بیروت: دار صادر، ۱۹۶۰ م.

ابن عبدربه. *المقد الفرید*، بیروت: دارالفکر، ۱۳۵۹ ق/۱۹۴۱ م.

ابن قتیبه دینوری. *المعارف*، مصر: دارالمعارف، ۱۱۱۹ ق/۱۷۰۸ م.

_____ *طبقات الشعراء*، لیدن: دخویه، ۱۹۰۲ م.

ابن کثیر. *البدایه و النهایه*، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.

ابن منظور. *لسان العرب*، قم: الأدب الحوزه، ۱۴۰۵ ق/۱۹۸۵ م.

ابن ندیم. *الفهرست*، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: امیرکبیر، بی تا.

ابن هشام، عبدالملک. *السیره النبویه*، مصر: مصطفی البابی، ۱۹۵۵ م.

الإصبهانی، ابوالفرج. *الأغانی*، بیروت: دارالثقافه، ۱۹۵۹ م.

ابوعبیده، معمر بن مثنی. *الایام العرب قبل الإسلام*، تحقیق عادل جاسم البیاتی، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۷ ق/۱۹۸۷ م.

_____ *النقایض جریر و فرزدق*، بغداد: مکتبه المثنی، بی تا.

ابو یوسف. *الخراج و صناعه الکتابه*، بیروت: المعرفه، ۱۳۰۲ ش/۱۹۲۳ م.

- ارزند، مهران. «ابوالعناهیة»، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷.
- ایمانیان، حسین. «ابان بن عبدالحمید لاحقی و بازآفرینی نوشته های پهلوی»، *زبان و ادبیات عربی*، ش ۶، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۶۱-۶۱.
- بالادری، احمد بن یحیی. *أنساب الأشراف*، قم: مجمع إحياء الثقافة الاسلامیة، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۰م.
- _____ *فتوح البلدان*، بیروت: دارالمکتبه الهلال، ۱۹۸۸م.
- پاکتچی، احمد. «پژوهشی در کتابشناسی جنگ های رده»، مقالات و بررسی ها، ش ۶۶، ۱۳۷۸ش، ص ۲۶۱-۲۷۶.
- التمیمی، سیف بن عمر، *الفتنه و وقعة الجمل*، تحقیق احمد راتب عرموش، بیروت: دارالنفائس، ۱۳۹۱ق/۱۹۷۲م.
- _____ *کتاب الردة و الفتوح و کتاب جمل و مسیره عائشه و علی*، ط. الثانیة، تحقیق قاسم السامرای، ریاض: دار امیه، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م.
- جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر. *الرسائل الجاحظ*، تحقیق علی ابولحم، بیروت: دار و مکتبه الهلال، ۲۰۰۲م.
- جعیط، هشام. کوفه، *پیدایش شهر اسلامی*، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- الحجّی، مظهر. *دیک الجن الحمصی*، دمشق: دار طلاس، ۱۹۸۹م.
- الحلبونی، خالد. *دیک الجن: الذاتیة و الإبداع*، دمشق: دار الیمامه، ۲۰۰۱م.
- حموی، یاقوت. *معجم البلدان*، تهران: مکتبه الاسدی، ۱۹۶۵م.
- دینوری، ابوحنیفه. *الأخبار الطوال*، قم: الرضی، ۱۹۶۰م.
- دیک الجن، عبدالسلام بن رغبان، *دیوان دیک الجن الحمصی*، تحقیق مظهر الحجّی، دمشق: اتحاد الکتاب العربی، ۲۰۰۴م.
- دیوان *ابنواس حکمی*. تحقیق احمد عبدالمجید الغزالی، بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م.
- ذهبی، شمس الدین محمد. *سیر اعلام النبلاء*، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۰ق/۱۹۷۱م.
- رازی، ابوالفتوح. *روح الجنان و روح الجنان*، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق/۱۹۹۲م.
- سعیدیان جزی، مریم. *قبیله بنو تمیم و نقش آن در تاریخ اسلام و ایران*، قم: کتابخانه اسلام و ایران، ۱۳۸۲.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد. *الأنساب*، ط. الثانیة، بغداد: مکتبه المثنی، بی تا.
- ضیف، شوقی. *الفن و مذاهبه فی النثر العربی*، الثالثه عشره، مصر: دار المعارف، بی تا.
- طبری، محمد بن جریر. *تاریخ الرسل و الملوک*، ترجمه ابوالقاسم پابنده، تهران: اساطیر، ۱۳۶۲.
- _____ *تاریخ الرسل و الملوک*، تهران: مکتبه الاسدی، ۱۳۵۸ق/۱۹۴۰م.
- عسکری، مرتضی. *صد و پنجاه صحابی ساختگی*، ترجمه ع. سردارنیا، تهران: مجمع علمی و بدر، ۱۳۶۱.
- الغیث، خالد. «استشهاد عثمان وقعة الجمل فی مرویات سیف بن عمر فی تاریخ طبری و دراسته و نقدیة»، پایان نامه دکتری، ریاض: دانشگاه دار امیه، ۱۹۹۷م.
- مسعودی، علی بن حسین. *التنبیه و الأشراف*، تصحیح اسماعیل الصاوی، قاهره: دارالصاوی، بی تا.
- مسکویه، ابوعلی. *التجارب الامم*، تهران: دارسروش، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م.
- واقدی، محمد بن عمر. *فتوح الشام*، صححه عبداللطیف عبدالرحمن، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۷م.

_____ الرَّدَّه (مع نبذه من فتوح العراق)، تحقیق یحیی الجبوری، بیروت: دارالعرب الإسلامی، بی تا.
هاجسن، مارشال. «دو مورخ مسلمان دوران پیشانویین، مشکلات و فرصت‌های نهفته در ارائه آنان به دوران جدید»،
طبری پژوهی، گردآورنده محمدحسین ساکت، ج ۱، تهران: نشر کتاب، ۱۳۹۳.
هیندز، مارتین. «ریشه‌شناسی جریان‌های سیاسی کوفه در نیمه نخست قرن اول هجری»، ترجمه محمدعلی رنجبر،
فصلنامه تاریخ اسلام، ش ۴۴، ۱۳۸۱، ص ۱۶۲-۱۱۹.
یعقوبی، احمد. البلدان، بغداد: مکتبه المثنی، ۱۸۹۲ م.

Simonsohn, Uriel. "Conversion and Apostasy in Early Islam. Medieval Encounters", online
mediated, accessed 04 August 2020. <http://haifa.academia.edu>.

Hodgson, marshal. G. S. (Editor). "Venture of Islam", Vol. 3, Chicago: The University of
Chicago Press, 1974.

'Umar Faruq, Abdullah. "Heaven" *An Encyclopedia of the Prophet of God*, Edited by C.
Fitzpatrick and A. Walker, Santa Barbara, Vol. I., pp. 251-254. ABC-CLIO, 2014.

Patel, David Siddhartha. *Political Engineering and the Origins of Culture: The Institutional
Foundations of the Rise of Islam*, Stanford: Stanford University press, 2007.

